



تحلیلی بر رویکردهای توسعه گردشگری در اجتماعات محلی

حسن اسماعیل زاده^{۱*}، مظفر صرافی^۲، جمیله توکلی نیا^۲

۱- استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه

۲- استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۸

Analysing Tourism Development Approaches in Local Communities

Hassan Esmaeilzadeh,^{1*} Mozaffar Sarrafi² and Jamileh Tavakkoli Nia²

1- Assistant Professor, Department of Geography, Urmia Payame Noor University

2- Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Earth science, Shahid Beheshti University

Abstract

In the third millennium, undoubtedly tourism has been upgraded to one of the thriving bases of the global economy and, on the base of findings, it can be identified as the main economic resource for many countries. Tourism, along with its many benefits, has many negative effects as well; coping with these requires us to rely on a suitable approach and proactive measures by planners and managers, especially in the public sector. In this article we have attempted to study tourism development approaches, selecting the most suitable approach in relation to local community development. The spectrum of approaches includes the boosterism, economic (industry-oriented), spatial-geographical, community-oriented, and sustainable approaches, all of which have been described and compared, using SWOT analysis. Finally, the most appropriate approach in terms of the development of community-centered tourism has been elaborated.

Keywords: Tourism, Boosterism, Community-oriented Tourism, Spatial-geographical approach, Sustainable Community Development.

چکیده

دنیای امروز در حالی وارد هزاره جدید شده است که بی تردید گردشگری به یکی از پایه‌های پررونق اقتصاد جهانی تبدیل گردیده و بنا بر مشاهدات، رفته رفته به عنوان منبع عمده درآمد بسیاری از کشورها به حساب می‌آید. گردشگری در کنار منافع گسترده‌اش، می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری نیز به بار آورد که مقابله با این‌گونه پیامدها به داشتن رویکرد مناسب و پیش‌نگری از سوی برنامه‌ریزان و مدیران، به ویژه در بخش دولتی برمی‌گردد. در این نوشتار تلاش شده است تا در پرتو بررسی رویکردهای توسعه گردشگری، مناسب‌ترین رویکرد در رابطه با توسعه اجتماعات محلی انتخاب شود. رویکردهای یادشده تحت عناوین انبوه‌گرایی، اقتصادی (صنعت - محور)، فضایی - جغرافیایی، اجتماع - محور، و توسعه پایدار دسته‌بندی شده‌اند و پس از شرح یکایک آن‌ها، تحلیل قیاسی و سنجش نقاط قوت و ضعف درونی و فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی آن‌ها انجام گرفته و در نهایت، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری برای اتخاذ رویکرد بهینه توسعه گردشگری در خدمت توسعه اجتماعات محلی صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: گردشگری، انبوه‌گرایی، توریسم اجتماع -

محور، رویکرد جغرافیایی - فضایی، توسعه پایدار اجتماعات محلی.

مقدمه

درآمد و بالا بردن سطح اشتغال ناشی از رشد صنعت و خدمات مرتبط در کشور متبوع خود هستند. این تلاش کشورها بر دو محور رشد و پایداری استوار است. کشور ما نیز با توجه به برخورداری از توانها و قابلیت‌های بالای گردشگری، می‌تواند سهم ارزنده‌ای در رقابت جهانی برای جذب منافع حاصله از این صنعت داشته باشد. اما باید توجه داشت که در برنامه‌ریزی و توسعه این صنعت، از رویکردی استفاده شود که بیشترین مزایا و کمترین اثرات منفی را به دنبال داشته باشد. بدین منظور در تحقیق حاضر، تلاش شده است تا رویکردهای توسعه گردشگری بررسی و تحلیل مقایسه‌ای گردد تا بتوان رویکرد مناسب را برای توسعه گردشگری در اجتماعات محلی تشخیص داد، و از آن در امر برنامه‌ریزی و توسعه استفاده نمود. عمده‌ترین سؤالاتی که در این تحقیق مطرح است عبارتند از:

- ۱) رویکردهای توسعه گردشگری کدامند؟
- ۲) مزایا و معایب هر یک از رویکردها چیست؟
- ۳) در شرایط کنونی مناسب‌ترین رویکرد توسعه گردشگری برای برخورداری اجتماعات محلی کدام است؟

مواد و روش‌ها

روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است. بدین ترتیب که ابتدا رویکردهای توسعه گردشگری، توصیف شده، و سپس اطلاعات به دست آمده، مورد تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، به تدوین راهکارهای لازم در جهت توسعه گردشگری اقدام شده است. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، منابع ترجمه‌ای و اینترنتی است و از مدل

رشد شتابان گردشگری در جهان و منافع حاصل از آن، توجه ویژه دولت‌ها و برنامه‌ریزان را موجب گردیده و شکل‌گیری شیوه‌های جدید سیاست‌گذاری در این زمینه را به دنبال داشته است. کشورهای پیشرفته دنیا پیش از دیگر کشورها به اهمیت گردشگری پی برده و برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای برای رشد همه جانبه آن انجام داده‌اند. گردشگری می‌تواند در بسیاری از کشورهای درحال توسعه که منابع اقتصادی چندانی ندارند، به مهم‌ترین منبع اقتصادی این کشورها تبدیل گردد. به همین سبب اکثر کشورهای درحال توسعه، در زمینه توسعه گردشگری، برنامه‌ریزی‌های مختلفی را شروع کرده‌اند. گردشگری از ابعاد مختلف، می‌تواند آثار مثبت و منفی متعددی به دنبال داشته باشد؛ از جمله آثار مثبت آن می‌توان به ایجاد اشتغال، افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری، بهبود کیفیت زندگی، رشد فرهنگی، تقویت ارزش‌ها و سنن محلی، توسعه زیرساخت‌ها، حفاظت از سایت‌های تاریخی و اکولوژیکی، توسعه مهارت‌های برنامه‌ریزی و نظایر آن اشاره نمود (Tomeljenovic and et al., 2000). در کنار آثار یاد شده، گردشگری اگر به خوبی مدیریت و کنترل نشود، می‌تواند آثار منفی زیادی به همراه داشته باشد که به آن جمله می‌توان از انواع آلودگی‌ها، تهدید فرهنگ محلی، صدمات وارده بر محیط‌زیست، گسترش بیماری‌ها، شلوغی، و مصرف‌گرایی اشاره نمود (Chak, 2004).

تردید نیست که همه کشورهای جهان در رقابتی تنگاتنگ در پی بهره‌گیری از مزایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، برای افزایش

SWOT و تحلیل محتوا نیز برای تحلیل مقایسه‌ای یافته‌ها استفاده شده است.

نتایج

- ارزیابی رویکردهای توسعه گردشگری در اجتماعات محلی و بررسی جهت گیری هر کدام از آن‌ها
- مطالعه فرض‌ها، مبانی نظری، متدها و مدل‌های رویکردهای توسعه گردشگری
- بررسی نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌های هر یک از رویکردهای توسعه گردشگری با مدل SWOT
- شناسایی مناسب‌ترین رویکرد توسعه گردشگری در اجتماعات محلی
- تدوین راهبردهای توسعه پایدار گردشگری در محورهای اقتصادی، اجتماعی، محیطی، نهادی و فرهنگی.

بحث

مفهوم و اهمیت توسعه گردشگری تعاریف متعددی از سوی صاحب‌نظران و نهادهای مختلف در خصوص گردشگری ارائه شده است که در اینجا تنها به تعریف مطرح شده از سوی سازمان جهانی گردشگری (UNWTO, 1973) بسنده می‌شود. براساس تعریف ارائه شده از سوی این سازمان، "گردشگری" به عمل فردی گفته می‌شود که بیش از یک روز به مسافرت می‌رود و در آن مکان که خارج از محیط زندگی وی است برای مدتی کمتر از یک سال جهت تفریح، تجارت و اهداف دیگر اقامت می‌نماید (Smith, 1995). گردشگری یکی از منابع عمده اقتصادی بسیاری

از کشورهای دنیاست. بر اساس برآوردهای سازمان جهانی گردشگری، تعداد گردشگران دنیا در سال ۱۹۵۰، حدود ۲۵ میلیون نفر و طی ۵۰ سال پس از آن، یعنی در سال ۲۰۰۰ تقریباً "به برابر با ۷۰۰ میلیون نفر افزایش یافته است. پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال ۲۰۲۰ به حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر نیز افزایش یابد. انتظار می‌رود که در سال ۲۰۲۰، درآمدهای گردشگری به حدود یک هزار میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار برسد (World Tourism Organization, 2001). کشورهای مختلف به ویژه در جهان توسعه یافته به اهمیت گردشگری پی برده و در توسعه آن، اقدامات مختلفی انجام داده و می‌دهند. در کشورهای جهان سوم که منابع اقتصادی چندان در توسعه کشورشان ندارند، گردشگری می‌تواند عامل موثری در رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد اشتغال و مبارزه با فقر باشد. بر این اساس می‌توان گفت که توسعه گردشگری، می‌تواند امیدبخش‌ترین صنعتی باشد که کشورهای توسعه نیافته با آن روبرو هستند (Lee, 2000). گردشگری، ضمن اینکه منافع اقتصادی به همراه دارد، در کنار آن، رشد فرهنگی و محیطی را نیز می‌تواند به دنبال داشته باشد. البته اگر گردشگری به خوبی مدیریت نشود، به جای اثرات مثبت، می‌تواند اثرات منفی زیادی در حوزه‌های گوناگون اکولوژیکی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، به همراه داشته باشد. بر این اساس دولت و مسوولین توسعه گردشگری باید در برنامه‌ریزی و توسعه آن، دقت لازم را داشته باشند و از رویکردهایی که می‌تواند بیشترین منافع را برای اجتماعات محلی به دنبال داشته باشد، استفاده نمایند. بدین منظور در اینجا

رویکردهای مختلفی که در توسعه گردشگری، از آن‌ها استفاده شده است مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند تا بتوان به انتخاب بهترین رویکرد در توسعه گردشگری اجتماعات محلی نائل شد.

اجتماع محلی؛ جایگاه و مفهوم

همان‌گونه که در بخش رویکردهای توسعه گردشگری نیز به تفصیل توضیح داده شده است، اجتماع محلی (Local Community) در بر گیرنده ارتباط با ترکیبی از عقاید، شرایط، اولویت‌ها، مناسبات و علایق مشترک است. گرچه اجتماعات محلی متکی بر مکان هستند، ولی آن‌ها به عنوان تقسیمات فرعی از سرزمین به لحاظ جغرافیایی مدنظر نیستند. به بیان دیگر آن‌ها واحدهایی هستند که در آن برخی از مجموعه ارتباطات همچون پیوندهای اجتماعی (خانوادگی، خویشاوندی، دوستی، همسایگی و...)، پیوندهای کارکردی (مانند ارتباطات در تولید، مصرف و جابجایی کالاها و خدمات)، پیوندهای فرهنگی (مانند پیوند در مذهب، سنت یا هویت قومی) یا پیوندهای اقتصادی (مانند ارتباط در پایگاه اقتصادی یا شبکه زندگی)، تمرکز می‌یابند. در اجتماع محلی و یا اجتماع علایق، وجود برخی از اشکال ارتباط اشتراکی و جمعی در میان افراد آن مهم است، خواه چنین پیوندی مکان محور باشد یا نه، و همین امر است که امکان هویت گروهی و عمل جمعی را فراهم می‌آورد (Jabbary, 1998). از نظر Israel، اجتماع را به‌عنوان محل یا محدوده‌ای در نظر می‌گیرند که به‌واسطه عناصر زیر متمایز می‌شوند:

• عضویت، احساس هویت و تعلق

- نظام نمادی مشترک، زبان، شعایر و مراسم مشترک
- ارزش‌ها و هنجارهای مشترک
- تأثیر متقابل اعضای اجتماع بر همدیگر
- نیازها و تعهدات مشترک برای برآوردن آنها
- ارتباط احساسی مشترک، یعنی اعضا در تجربیات و حمایت دو جانبه سهم مشترک دارند.
- اشتراکات اگرچه ممکن است به لحاظ جغرافیایی محدود باشند ولی الزاماً چنین نیست (Conyers et al., 1994:45). به اعتقاد Conyers، مفهوم اجتماع محلی پایه‌ای برای ارتباط برنامه‌ریزان و مردم می‌باشد که اساس برنامه‌ریزی مشارکتی محسوب می‌شود. از نظر او در تعریف اجتماع محلی بایستی به سه ملاک عمده ذیل توجه نمود:
 - اولاً مفهوم اجتماع دارای یک عنصر فیزیکی است. این مفهوم گروهی از مردم را در بر می‌گیرد که در یک منطقه به لحاظ جغرافیایی تعریف شده زندگی می‌کنند و با همدیگر تعامل دارند.
 - ثانیاً اعضای یک اجتماع معمولاً دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که به واسطه این ویژگی‌ها می‌توانند به عنوان یک گروه تعریف شوند. هر چند درباره ویژگی‌هایی که مهم هستند نمی‌توان دست به تعمیم زد، زیرا که این ویژگی‌ها از اجتماعی به اجتماع دیگر فرق می‌کند، ولی زبان، قومیت، اصالت نژادی، مذهب، فرهنگ، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی اغلب از عوامل عمده آن به شمار می‌روند.
 - ثالثاً به خاطر دو ملاک مذکور، یک اجتماع بایستی دارای چیزی باشد که آنرا به عنوان "سازگاری اساسی منافع و خواسته‌ها" توصیف

می‌کنند. این ویژگی از نقطه نظر برنامه‌ریزان توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا خصیصه مذکور می‌رساند که اعضای یک اجتماع به احتمال زیاد درباره نیازها و طرح‌های آتی توسعه در منطقه خود دیدگاه مشابهی دارند، در نتیجه برنامه‌ریزان به راحتی می‌توانند با مردم محلی مشورت کرده و از طریق کار با جوامع شناخته شده، نوع عقاید عمومی آنان را کسب کنند (Conyers, 1984). در این تحقیق، جایگاه اجتماعات محلی در رابطه با توسعه گردشگری بررسی شده است.

رویکردهای توسعه گردشگری

انبوه‌گرایی (Boosterism)

توسعه انبوه گردشگری، به مدت‌های طولانی، سنت مسلط در برنامه‌ریزی گردشگری محسوب می‌شده است. بر اساس این رویکرد، اثرات بالقوه منفی اقتصادی، اجتماعی و محیطی گردشگری کمتر در نظر گرفته شده است، و منابع طبیعی به عنوان عناصر گردشگری، همراه با توسعه گردشگری مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین شکل انبوه توسعه، ممکن است به عنوان یک شکل برنامه‌ریزی نشده، توصیف شود (Hall, 2000). گردشگری انبوه، در واقع عبارت است از گردشگری تجاری معمولی که در سطح گسترده‌ای از جهان وجود دارد. این قبیل فعالیت‌های گردشگری به وسیله شرکت‌های بزرگ گردشگری ساماندهی می‌شود و بازارهای خاص خود را دارد که معمولاً در نواحی مختلف گردشگری جهان، متمرکز است (zahedi, 2007). ریشه عناصر ایده انبوه‌گرایی نه تنها به دوره

سرمایه داری آمریکای شمالی و سودگرایی اقتصادی لیبرال اروپا در قرن نوزدهم برمی‌گردد، بلکه به گردشگری کوچک - مقیاس (Small Size) سازمان یافته در ۱۵۰ سال گذشته نیز برمی‌گردد. زمانی که تعداد گردشگران، کمتر، و منابع طبیعی در برخی حوزه‌ها به وفور یافت می‌شد، مانند مرزهای آمریکا که در آنجا اولین پارک‌های ملی ایجاد شدند، اثرات گردشگری نیز محدود شد. با وجود این، اگرچه گردشگری رشد یافت، تصور از گردشگری، به عنوان یک صنعت "پاک (Smokeless)" و بی‌ضرر، تا همین اواخر تغییر نیافت.

بر اساس سنت انبوه‌گرایی، ساکنین مقصدهای گردشگری، در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در خصوص توسعه گردشگری وارد نمی‌شوند و آن‌هایی که مخالف چنین توسعه‌ای باشند ممکن است به عنوان دشمنان وطنی (میهن ستیزان) یا عناصر منفی شناخته شوند. در سال‌های اخیر، انبوه‌گرایی توسط کشورهایی که میزبان رویدادهای بزرگ از قبیل بازی‌های المپیک بودند بسیار استقبال شده است، در چنین رویدادهای بزرگی، ظاهراً استفاده از رویکرد انبوه‌گرایی، برای شهر و منطقه میزبان، مفید است (Olds, 1998). گتز (Getz) معتقد است که "انبوه‌گرایی هنوز فعال است و در آینده نیز از طرف دو گروه از مردم، فعال خواهد بود: یکی سیاستمدارانی که از نظر فلسفی یا عملی معتقدند که رشد اقتصادی همواره باید ارتقاء یابد، و دسته دوم، افرادی که منافع مالی از بابت گردشگری کسب خواهند کرد. آن‌ها در توسعه این نوع گردشگری، تلاش خواهند کرد تا این که توسعه واقعی اتفاق بیفتد به طوری که آن‌ها نهایت بهره برداری از منابع

را داشته باشند، هزینه‌های واقعی یا هزینه‌های فرصت افزایش یافته و یا موقعیت‌های سیاسی رشد یابد. با اقدامات این افراد، صدمات و خسارت‌های واقعی بروز خواهد کرد" (Getz, 1987).

رویکرد اقتصادی (گردشگری به عنوان یک صنعت)

بر اساس سنت اقتصادی، گردشگری به عنوان یک صنعت ملاحظه می‌گردد که می‌تواند به عنوان ابزاری در اختیار دولت‌ها قرار گیرد تا آن‌ها در جهت دستیابی به اهداف ویژه رشد اقتصادی و بازساخت، ایجاد اشتغال، و توسعه منطقه‌ای از طریق تأمین انگیزه‌های مالی، تحقیق، بازاریابی و ابزارهای توسعه‌ای از آن استفاده کنند. اگرچه مدل اقتصادی، از گردشگری انتظار ندارد که داروی تمام دردهای اقتصادی باشد، این رویکرد بر ارزش بالقوه گردشگری به عنوان یک صنعت تخصصی تأکید دارد که می‌تواند در جهت کاهش عدم تعادل‌های ملی و منطقه‌ای در مباحث تجارت، تراز پرداخت‌ها یا سطوح مبادلات خارجی مشارکت کند. در سنت اقتصادی، دولت‌ها از گردشگری به عنوان ابزاری برای رشد و توسعه در مناطق ویژه استفاده می‌کنند. بنابراین تأکید برنامه‌ریزی بر روی اثرات اقتصادی گردشگری و استفاده موثر در جهت ایجاد درآمد و مزایای شغلی برای نواحی یا اجتماعات می‌باشد.

یکی از ویژگی‌های عمده رویکرد اقتصادی، استفاده از بازاریابی برای جذب گردشگری است که بتواند بیشترین منافع اقتصادی را برای مقصدی که منابع ویژه گردشگران را تعیین می‌کنند تامین می‌نماید. از آنجائی که هم دولت و هم صنعت، بر

مطالعات چندپاره و رقابت بین محصولات و بازارها تأکید می‌کنند، و اهداف اقتصادی، بر علائق اجتماعی و اکولوژیکی اولویت دارند. این رویکرد، مشخص نمی‌سازد که این موضوع که از توسعه گردشگری، چه کسانی منتفع و چه کسانی متضرر می‌شوند (Hall, 2000).

رویکرد فضایی - جغرافیایی (The Spatial/ Geographical Approach)

خاستگاه رویکرد فضایی/جغرافیایی به کار جغرافیدانان، برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای کاربری زمین، و طرفداران حفاظت از منابع طبیعی که از رویکرد عقلانی برنامه‌ریزی منابع طبیعی دفاع می‌کنند، برمی‌گردد. برنامه‌ریزی کاربری زمین یکی از قدیمی‌ترین اشکال حفاظت محیطی است. به اعتقاد بسیاری، رویکرد فضایی/کاربری زمین، به واسطه رابطه نزدیکش با برنامه‌ریزی منطقه‌ای و اجتماعات گردشگری، شکل غالب برنامه‌ریزی گردشگری عمومی می‌باشد (Gunn, 1994). برنامه‌ریزی فضایی یا جغرافیایی به "برنامه‌ریزی با مولفه فضایی یا جغرافیایی اشاره دارد که در آن هدف عمومی، تأمین ساختار فضایی فعالیت‌ها (یا کاربری اراضی) است." (Hall, 1992). برنامه‌ریزی فضایی چندبعدی و چندموضوعی است. در این رویکرد، گردشگری اغلب دارای یک مبنای اکولوژیکی همراه با یک نیاز اساسی به توسعه است که بر الگوهای فضایی ویژه، پایه‌ریزی می‌شود تا اثرات منفی گردشگری را در یک محیط فیزیکی به حداقل برساند. موضوعات مورد توجه در این چارچوب، مباحث مرتبط با ظرفیت سازی فیزیکی و اجتماعی، آستانه‌های محیطی

(Environmental Thresholds)، و محدودیت‌ها یا میزان‌های تغییر قابل قبول/مطلوب (Limits to or acceptable/ desirable rates of change) است.

در سنت فضایی، جغرافیدانان جهت رشد مقصدهای گردشگری بر کاهش ارتباط با بازار (رویکرد اقتصادی) و منابع منطقه (رویکرد فیزیکی) تأکید دارند. بنابراین جای تعجب نیست که رویکرد جغرافیایی/فضایی بر تدوین طرح‌های توسعه گردشگری که بر اساس منابع طبیعی یک منطقه و بر روی ظرفیت‌ها یا محدودیت‌های سایت‌ها در جهت مقاوم کردن زیرساخت‌های گردشگری پی‌ریزی شده است، تأکید دارد. با وجود این، در حالی که این گونه طرح‌ها، آگاهی‌های ارزشمندی نسبت به ظرفیت‌های منابع طبیعی بالقوه و الگوهای سفری که در درون یک منطقه اتفاق می‌افتد فراهم می‌نماید، آن‌ها اغلب به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی مقصد (اجتماع محلی) توجه چندانی نمی‌کنند. نکته قابل توجه دیگر در جنبه‌های برنامه‌ریزی کالبدی و کاربری اراضی سنت فضایی، توجه به اثرات محیطی و ارزیابی اثرات اجتماعی (Social Impact Assessments) است. چنین مباحثی بر اساس قانون برنامه‌ریزی جهت توسعه پروژه‌های زیرساخت‌های عمده (مانند فرودگاه‌ها و جاده‌ها)، و تأمین و توسعه تسهیلات (مانند مراکز گردشگران در مناطق بکر) به صورت گسترده مورد نیاز است. اگرچه اغلب، چنین تفکری در توسعه مناطق غیرشهری حاکم است، اثرات توسعه مرتبط با گردشگری در مناطق شهری، به ویژه توسعه اسکله‌های بزرگ، غالباً "موضوع ارزیابی اثرات محیطی (EIS) که دربرگیرنده تعدادی از

فاکتورهای اجتماعی است، می‌باشد. به عنوان مثال، هافتون و هانتز، برخی از اثرات شهری را که در مدل EIS مناسب تشخیص داده شده است، به قرار زیر نام می‌برند: اشتغال، دسترسی، ایمنی، کیفیت هوا و آب، آلودگی، خزش شهری (Urban Sprawl)، تغییر مکان، تسهیلات و خدمات اجتماعی، و پایه مالیاتی (Houghton and Hunter, 1994).

رویکرد فضایی/ کاربری زمین با ظهور خود، جنبه‌های توسعه گسترده در حوزه برنامه‌ریزی کالبدی/ کاربری زمین را پذیرفت. در حقیقت، زمانی که مسائل محیطی در روابط بین انسان و محیط ایجاد می‌شوند، به ویژه زمانی که برنامه‌ریزان کاربری زمین، راهکارهای نیل به توسعه پایدار را جستجو می‌کنند، برنامه‌ریزی کاربری زمین، به طور فزاینده در جستجوی یکپارچه‌سازی علائق برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی در درون یک رویکرد اکولوژیکی است. این توسعه جدید در حوزه برنامه‌ریزی کاربری زمین به طور گسترده در رأس برنامه‌ریزی محیطی توصیف می‌گردد (Hall, 2000).

رویکرد اجتماع - محور

(Community-based Approach)

از اواخر دهه ۱۹۷۰، افزایش توجه عمومی، معطوف به اثرات منفی محیطی و اجتماعی شد. اگرچه اثرات منفی گردشگری، ابتدا در کشورهای کمتر توسعه یافته مشاهده شد، ولی به تدریج مشخص شد که گردشگری، اثرات نامطلوبی در کشورهای توسعه یافته و بخش‌هایی از اروپا و آمریکای شمالی نیز گذاشته است (Craik, 1988). در پاسخ به اثرات

منفی مشاهده شده از توسعه گردشگری، استراتژی‌های جایگزین توسعه گردشگری مورد حمایت قرار گرفتند، این همان مقوله‌ای است که ما اکنون به عنوان اکوتوریسم توصیف می‌کنیم، مقوله‌ای که بستر اجتماعی و کالبدی را در درون آن چه که گردشگری اتفاق افتاد، برجسته کرد. به عنوان مثال گان در سال ۱۹۷۹، یک چشم انداز جالب توجهی در برنامه‌ریزی گردشگری مطرح کرد که سه هدف عمده را تعقیب می‌کرد. این اهداف شامل تأمین رضایت مصرف‌کنندگان؛ اعطای پاداش برای مالکین؛ و حفاظت از منابع محیطی بود که حاکی از احترام به طبیعت ارزشمند منابع گردشگری است. به طور مشابه، مک اینتوش و گولدنر، نیاز به مشارکت گسترده اجتماعات در گردشگری را در پنج هدف توسعه گردشگری زیر عنوان کردند:

- تأمین چارچوبی برای ارتقاء استاندارد زندگی مردم محلی از طریق منافع اقتصادی گردشگری؛
- توسعه زیرساخت‌ها و تأمین تسهیلات تفریحی، هم برای ساکنین و هم برای بازدیدکنندگان؛
- اطمینان از اینکه انواع توسعه در درون مراکز گردشگری برای اهداف این مناطق، مناسب باشند؛
- تدوین یک برنامه توسعه که سازگار با ایده‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دولت و مردم منطقه میزبان باشد؛ و
- بهبود رضایت بازدیدکنندگان (McIntosh and Goeldner, 1986).

یکی از آشکارترین و موثرترین اظهارات درباره رویکرد اجتماع-محور توسعه گردشگری را در مهم‌ترین کتاب مورفی به نام "گردشگری: رویکرد

اجتماع-محور (۱۹۸۵)" می‌توان یافت. مورفی استفاده از یک رویکرد اکولوژیکی در برنامه‌ریزی گردشگری که بر نیاز به کنترل محلی در فرایند توسعه تأکید داشت، حمایت می‌کرد. یکی از اجزای اصلی این رویکرد، این تصور است که رفع نیازهای محلی از طریق رفع نیازهای گردشگران امکان‌پذیر می‌باشد، فلسفه "برنده-برنده (Win-win Philosophy)" که بسیار قابل توجه و مورد قبول است. با وجود این، به رغم جذابیت مفهومی این رویکرد برای بسیاری از اجتماعات میزبان در برنامه‌ریزی گردشگری، مسائل اساسی متعددی در فرایند توسعه و چگونگی اجرای آن وجود دارد. برنامه‌ریزی گردشگری اجتماع-محور، در حقیقت، پاسخی به نیاز به توسعه مقررات پذیرفته شده اجتماعی در گسترش گردشگری محسوب می‌شود.

بنابراین رویکرد اجتماع-محور در برنامه‌ریزی گردشگری، به شکل "برنامه‌ریزی از پایین به بالا" است که بر توسعه در درون اجتماع تأکید دارد تا توسعه اجتماع از بیرون و درون. همان‌گونه که بلانک تشخیص داد "اجتماعات، مقصد بیشترین تعداد گردشگران است. بر این اساس، گردشگری در درون اجتماعات رخ می‌دهد. بنابراین توسعه و مدیریت صنعت گردشگری باید به طور موثر در درون اجتماعات انجام گردد". بر اساس این رویکرد، ساکنین به عنوان نقطه کانونی فعالیت برنامه‌ریزی گردشگری مورد توجه قرار می‌گیرند نه گردشگران، و اجتماع محلی نیز که اغلب با حکومت محلی یا منطقه‌ای یکسان در نظر گرفته می‌شود، به عنوان واحد

پایه برنامه‌ریزی مورد توجه قرار می‌گیرد. با این همه، مسائل اساسی متعددی در تلاش برای اجرای مفهوم برنامه‌ریزی اجتماع محلی در مقاصد گردشگران ایجاد خواهد شد (Dowling, 1993).

یکی از مباحث اساسی در اجرای رویکرد اجتماع-محور در برنامه‌ریزی گردشگری، ماهیت سیاسی فرایند برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی اجتماع-محور به میزان بالای مشارکت عمومی در فرایند برنامه‌ریزی اشاره دارد. همان‌طور که ارنشتاین اظهار داشت: "مشارکت عمومی ایجاب می‌کند که یک اجتماع محلی باید از یک درجه کنترل در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برخوردار باشد" (Arnstein, 1997). بر این اساس، رویکرد اجتماع-محور در برنامه‌ریزی گردشگری بر ضرورت مشارکت یا کنترل اجتماعی در فرآیند توسعه گردشگری اشاره دارد. با وجود این، چنین رویکردی به علت انتقادهای ناشی از اثرات اقتصادی که نیاز قانونی به مشارکت را مطرح می‌کند، معمولاً از سوی مسئولین حکومتی پذیرفته نشده است. بعلاوه، به اعتقاد بسیاری از کارکنان حکومتی، چه انتخابی و چه غیرانتخابی، کنترل اجتماعی همچنین می‌تواند به عنوان بی‌قدرتی و عدم کنترل بر فرایند برنامه‌ریزی تعبیر شود. در حقیقت، سطح درگیری عمومی در برنامه‌ریزی گردشگری در اکثر نقاط دنیا می‌تواند همانند دستکاری در چیزهایی باشد که تصمیمات، یا جهت تصمیمات از سوی دولت تعیین می‌گردد. اجتماعات به ندرت فرصت گفتن "نه" دارند (Hall, 1998).

مساله بعدی در بهره‌برداری از رویکرد اجتماع-

محور در برنامه‌ریزی گردشگری، ساختار حکومت است. ماهیت نظام‌های حکمروائی، مشکلاتی را در اطمینان از این موضوع مطرح می‌کند که سیاست‌گذاری‌های گردشگری در سطوح مختلف حکومتی با هم هماهنگ هستند و با تصمیمات دیگر سطوح، ناهماهنگ می‌باشند. به عنوان مثال، یک تصمیم اجتماع-محور در سطح محلی که ناهماهنگ با طرح گردشگری در سطح منطقه‌ای یا ملی است (و از طرف سطح مافوق حکومتی تنظیم شده است) منجر به توسعه گردشگری در یک سایت ویژه نخواهد شد. همین‌طور، یک تصمیم محلی در جهت توسعه گردشگری، اگر از الزامات قانونی یا حدود سیاست‌گذاری‌ها تجاوز کند، در تضاد با توسعه دیگر بخش‌ها خواهد شد. با وجود این، اگر ناسازگاری‌های مرتبط با گردشگری در سطح اجتماع محلی مرتفع گردد، ترتیبات نهادی فرآیندهای تصمیم‌گیری مرتبط با مدیریت نیز بایستی در سطح محلی پی‌ریزی شود. یک نگرانی عمده در چنین حوزه‌ای، نقشی است که نخبگان محلی (Local Elites) ممکن است در منحرف کردن تصمیمات به سمت منافع خود، به جای توجه به نیازهای ساکنین محلی ایفا کنند. بر این اساس، حفظ قدرت‌های اندوخته شده در سطوح بالاتر حکومتی می‌تواند مانع از چنین نقشی برای نخبگان محلی گردد (Ostrom, 1990).

رویکرد توسعه پایدار (برنامه‌ریزی و توسعه یکپارچه گردشگری)

توسعه پایدار شرط اساسی تأمین زندگی امن و پایدار

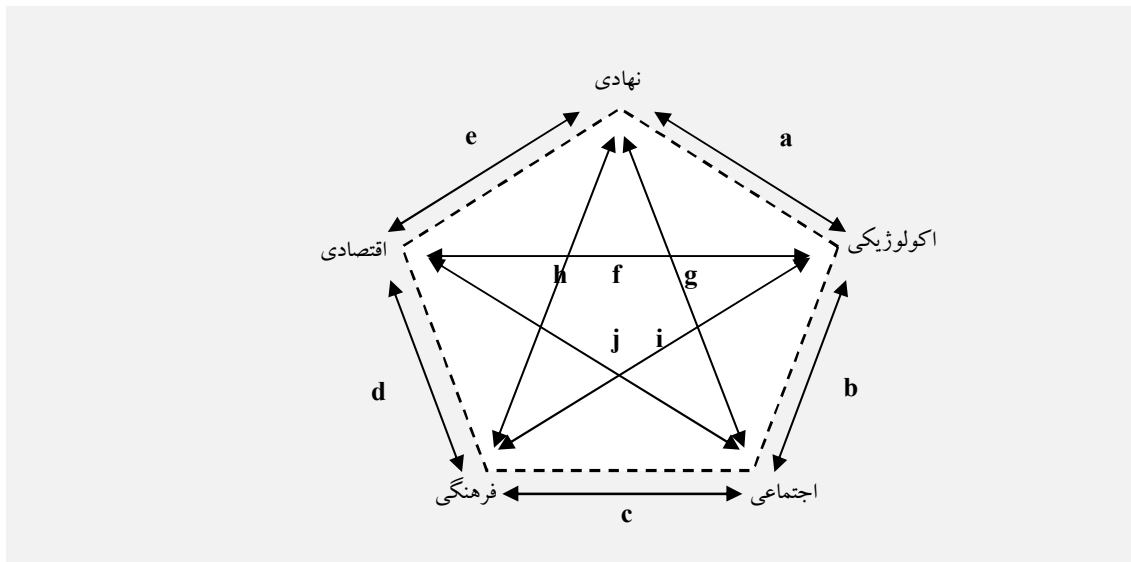
است که به منظور به حداقل رساندن اتلاف منابع، تخریب محیط، گسستگی فرهنگی و بی ثباتی اجتماعی تلاش می کند. این مفهوم ابتدا از طرف گزارش WCED (Brauntland Commission, 1987) مطرح شد که به دنبال حل دغدغه های اساسی در خصوص عدالت، نیازهای اقتصادی جمعیت حاشیه نشین، و محدودیت های اجتماعی و تکنولوژیکی توان محیطی در رفع نیازهای نسل کنونی و آینده می باشد (Hall, 2000). بر اساس کمیسیون برانتلند، توسعه پایدار، توسعه ای است که نیازهای نسل کنونی را بدون به مخاطره انداختن توانایی های نسل های آینده در برطرف کردن نیازهای شان، تأمین کند (Wheeler, 2004). در حالی که گردشگری ظاهراً در جستجوی توسعه پایدار است، تناقض های زیادی هم در مفهوم توسعه پایدار و هم در ماهیت گردشگری وجود دارد (Dutton and Hall, 1989). به عنوان مثال پیرس، باربیر و مارکاندیا در سال ۱۹۹۸ اذعان کردند که پایداری دربرگیرنده افق زمانی بی انتهاست، و تصمیم گیری عملی به اتخاذ افق های بی انتها نیاز دارد. اگرچه این فاکتورها، دستیابی به اهداف توسعه پایدار را سخت تر و پیچیده تر می کنند، اما نمی توانند "موانع سختی (Hard Barriers)" به شمار آیند، زیرا تاکید آن ها بر پایداری کاربری اراضی است (Hall, 2000). داتون و هال در سال ۱۹۸۹، از ۵ مکانیسم برای تأمین هدف پایداری گردشگری نام برده اند که عبارتند از: نظام های کنترل هماهنگ و یکپارچه؛ توسعه مکانیسم های هماهنگ کننده صنعت؛ ارتقاء آگاهی مصرف

کننده؛ ارتقاء آگاهی تولید کننده؛ و برنامه ریزی استراتژیک گردشگری برای جایگزینی رویکردهای مرسوم (Hall and McArthur, 1998).

پنج مکانیسم تعریف شده از سوی داتون و هال در سال ۱۹۸۹، برای نیل به گردشگری پایدار، در جهت اجرایی کردن استراتژی های برنامه ریزی در مقصد یا سطح عملیاتی مطرح شده است، اما مباحث زمینه ای برای اجرای استراتژی های گردشگری ارائه نشده اند. لیو و هال در سال ۱۹۹۸، در بررسی رویکرد اخیر در خصوص توسعه پایدار گردشگری، با در نظر داشتن توسعه پایدار مباحثی را مطرح ساخته اند که برای امر برنامه ریزی گردشگری ضروری به نظر می آید:

- گردشگری پایدار، جهت گیری ارزشمندی را در چیزی که مدیریت اثرات گردشگری بر اقتصاد بازار اولویت پیدا می کند نشان می دهد - اگرچه تنش بین آن دو حتی هنوز نیز مشاهده می گردد.
- دستیابی به توسعه پایدار گردشگری به ارزیابی هایی با مقیاس و زمینه خاص نیازمند است.
- مباحث گردشگری پایدار در باز ساخت اقتصاد جهانی شکل می گیرد و از نظر محتوایی در اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است.
- در مقیاس اجتماع محلی، گردشگری پایدار نیازمند کنترل منابع محلی است.
- توسعه پایدار گردشگری نیازمند صبر، تلاش، و تعهد درازمدت است (Hall, 2000).
- با توجه به مطالب ذکر شده برای دستیابی به توسعه

پایدار گردشگری به شاخص‌هایی نیازمند است که می‌توان آن‌ها را در پنج ضلعی زیر خلاصه کرد:



شکل ۱- شاخص‌های رویکرد توسعه پایدار گردشگری

a: مدیریت محیطی b: حفاظت همراه با رعایت عدالت c: تعلق اجتماعی d: فرهنگ تولید e: تکنولوژی تولید
f: یکپارچگی اقتصادی- محیطی g: توسعه از طریق نهادهای مردمی h: توسعه همراه با حفظ ارزش‌های محلی
i: فرهنگ برخورد با محیط j: اقتصاد اجتماع- محور.

- ۱) شاخص‌های اکولوژیکی: شامل تنوع زیستی، مصرف منابع، اکوسیستم‌ها، آلودگی‌های محیطی، دفع ضایعات، پوشش گیاهی، و ایمنی.
- ۲) شاخص‌های اقتصادی: شامل اشتغال، رفاه اقتصادی، کارآئی اقتصادی، مصرف انرژی، و حمل و نقل.
- ۳) شاخص‌های اجتماعی: شامل مشارکت، آموزش، سلامت، عدالت، امنیت، جمعیت، و سطح رضایت گردشگران.
- ۴) شاخص‌های نهادی: شامل دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، نهادهای محلی، و علم و تکنولوژی.
- ۵) شاخص‌های فرهنگی: شامل میزان وفاداری به آداب و رسوم راستین محلی، سطح حفظ هویت محلی، و سطح انتظارات (Weaver, 2001). همان‌گونه که در نمودار فوق نیز مشاهده می‌گردد، هر یک از شاخص‌های توسعه پایدار گردشگری، در ارتباط با یکدیگر بوده و تاثیر متقابلی بر هم دارند. بدین ترتیب در برنامه‌ریزی و اجرای رویکرد یاد شده، لازم است به روابط بین شاخص‌ها توجه گردد. در حقیقت، سنت توسعه پایدار گردشگری با تحقق اهداف یاد شده در نمودار، می‌تواند به توسعه گردشگری در اجتماعات منجر شود.

جدول ۱- رویکردهای برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری: فرض‌ها، تعریف مسأله، متدها، مدل‌ها و ادبیات

نمونه‌هایی از متون تخصصی	نمونه‌هایی از مدل‌ها	نمونه‌هایی از متدولوژی‌های بکار گرفته شده	تعریف مسأله برنامه‌ریزی گردشگری	فرض‌های اساسی و گرایشات مرتبط	رویکردهای برنامه‌ریزی
<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت با مباحث مرتبط با سیاست‌گذاری گردشگری 	<ul style="list-style-type: none"> - مدل‌های پیش‌بینی تقاضا 	<ul style="list-style-type: none"> - ارتقاء - روابط عمومی - تبلیغات - اهداف رشد 	<ul style="list-style-type: none"> - چه تعداد گردشگر می‌تواند جذب شود و اسکان داده شود؟ - چگونه می‌توان بر موانع غلبه کرد؟ - چگونه می‌توان ساکنین محلی را متقاعد کرد تا با گردشگران به خوبی رفتار کنند؟ 	<ul style="list-style-type: none"> - گردشگری، یک کالای اساسی است. - گردشگری باید توسعه یابد. - منابع طبیعی و فرهنگی باید بهره‌برداری شود. - صنعت به عنوان یک تخصص محسوب می‌گردد. - توسعه در حوزه‌های تجاری / شرکتی تعریف می‌شود. 	<p>انبوه‌گرایی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - مباحث اثر اقتصادی و مطالعات امکان‌سنجی - نمونه‌هایی که منافع بالقوه یک گروه در المپیک را تحلیل می‌کند. 	<ul style="list-style-type: none"> - فرایندهای مدیریتی - طرح‌های جامع گردشگری - انگیزه - اثر اقتصادی - تقویت‌کنندگان اقتصاد - قیمت‌گذاری اصولی 	<ul style="list-style-type: none"> - تحلیل عرضه- تقاضا - تحلیل هزینه- فایده - مسابقه محصول- بازار - توسعه شاخص‌ها - قطعه‌بندی بازار 	<ul style="list-style-type: none"> - آیا گردشگری می‌تواند به عنوان قطب رشد مورد استفاده قرار گیرد؟ - بیشینه‌سازی ابزارهای افزایش درآمد و اشتغال چگونه امکان‌پذیر است؟ - چگونه می‌توان بر انتخاب مصرف‌کننده تأثیر گذاشت؟ - چگونه می‌توان ارزش‌های اقتصادی را برای غیربومی‌ها تأمین کرد؟ - چگونه می‌توان ارزش‌های اقتصادی را برای اهداف حفاظتی فراهم آورد؟ 	<ul style="list-style-type: none"> - گردشگری همانند سایر صنایع در نظر گرفته می‌شود. - استفاده از گردشگری در جهت: ایجاد اشتغال، کسب عواید خارجی، و بهبود تجارت، تشویق توسعه منطقه‌ای، غلبه بر عدم تعادل‌های اقتصادی منطقه‌ای. - برنامه‌ریز در نقش یک متخصص. - توسعه به عنوان توسعه اقتصادی تعریف می‌شود. 	<p>اقتصادی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - مطالعات گان؛ ۱۹۹۴ - مطالعات اینسکیپ؛ ۱۹۹۱ - مطالعات داوولینگ؛ ۱۹۹۷. 	<ul style="list-style-type: none"> - الگوها و فرایندهای فضایی - اثرات فیزیکی - مورفولوژی منابع - محدودیت‌های تغییرات قابل قبول (LAC) - تنوع فرصت‌های گردشگری (ROS) - سبک زندگی در مقصد 	<ul style="list-style-type: none"> - مطالعات اکولوژیکی - ارزیابی اثرات محیطی - برنامه‌ریزی منطقه‌ای - مطالعات ادراکی 	<ul style="list-style-type: none"> - ظرفیت‌سازی کالبدی- فیزیکی - مدیریت استادانه الگوهای سفر و جریان‌های گردشگر - مدیریت گردشگر - تمرکز یا تفرق گردشگران - درک محیط طبیعی - مدیریت مناطق بکر و پارک‌های ملی - طراحی نواحی حساس محیطی 	<ul style="list-style-type: none"> - گردشگری وسیله‌ای برای استفاده منابع - مبنای اکولوژیکی برای توسعه حفاظت محیطی - توسعه با در نظر داشتن محیط - حفاظت از تنوع ژنتیکی 	<p>فضایی / جغرافیایی</p>

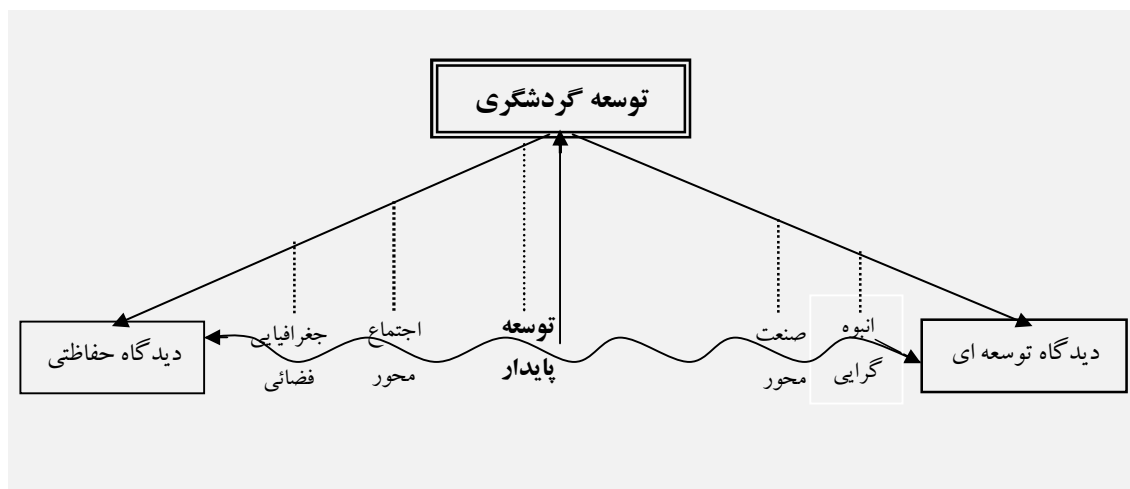
ادامه جدول ۱-

رویکردهای برنامه‌ریزی	فرض‌های اساسی و گرایشات مرتبط	تعریف مسأله برنامه‌ریزی گردشگری	نمونه‌هایی از متدولوژی‌های بکار گرفته شده	نمونه‌هایی از مدل‌ها	نمونه‌هایی از متون تخصصی
اجتماع - محور	<ul style="list-style-type: none"> - نیاز به کنترل محلی - تحقیق در خصوص توسعه متعادل - تحقیق در زمینه آلترناتیو‌هایی برای توسعه "انبوه" گردشگری - برنامه ریز در نقش تسهیل گر به جای متخصص - توسعه با توجه به مباحث اجتماعی - فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> - چگونه می توان کنترل اجتماع محلی را تقویت کرد؟ - درک گرایشات اجتماع محلی در گردشگری چگونه محقق می شود؟ - درک اثرات گردشگری بر اجتماع محلی چطور حاصل می گردد؟ - اثرات اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه اجتماع محلی - آگاهی و آموزش - بررسی گرایشات - ارزیابی اثرات اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> - چشم انداز اکولوژیکی اجتماع محلی - ظرفیت سازی اجتماعی / ادراکی - تغییر گرایشات - ابزارهای تقویت اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> - مطالعات مورفی؛ ۱۹۸۵ - مطالعات بلانک؛ ۱۹۸۹ - مطالعات مک بث؛ ۱۹۹۷
توسعه پایدار	<ul style="list-style-type: none"> - یکپارچه سازی ارزش های اقتصادی، محیطی و اجتماعی - فرهنگی - یکپارچه سازی برنامه ریزی گردشگری با سایر فرایندهای برنامه ریزی - برنامه ریزی کل گرا - حفظ فرایندهای ضروری اکولوژیکی - حفظ میراث انسانی و تنوع زیستی - عدالت بین نسلی و درون نسلی - دستیابی به تعادل بهتر عدالت و فرصت بین ملت ها 	<ul style="list-style-type: none"> - درک سیستم گردشگری - تنظیم اهداف، مقاصد و اولویت ها - دستیابی به هماهنگی سیاستگذاری و مدیریت در درون و بین بخش های خصوصی و دولتی - سیستم های هماهنگ و یکپارچه کنترل - درک ابعاد سیاسی گردشگری - برنامه ریزی برای آن نوع گردشگری که تأمین کننده نیازهای محلی و تجارت موفق در بازارهای رقابتی است. 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه ریزی استراتژیک برای جایگزینی رویکردهای مرسوم - رشد آگاهی تولیدکننده - رشد آگاهی مصرف کننده - رشد آگاهی ساکنین اجتماع محلی - رشد منابع ذینفعان - تحلیل سیاستگذاری - ارزیابی پژوهش ها - اقتصاد سیاسی - تحلیل خواسته ها - تحلیل و محاسبات محیطی - تبیین مطالعات انجام شده 	<ul style="list-style-type: none"> - مدل های سیستمی - مدل های یکپارچه متمرکز بر مکانها، و ارتباطات و روابط بین مکانها - منابع به عنوان مصنوعات فرهنگی - ادراک محیطی - اکولوژی تجاری - سازمان های آموزشی 	<ul style="list-style-type: none"> - کریپندورف؛ ۱۹۸۷ - هال و مک آرتور؛ ۱۹۹۶، ۱۹۹۸ - ماتیسون و وال؛ ۱۹۸۲ - مک کرچر؛ ۱۹۹۷ - لیندبرگ و مک کرچر؛ ۱۹۹۷

تحلیل یافته‌ها

دیدگاه کلی به نام‌های دیدگاه حفاظت‌گرایی (اکولوژی-محور) و دیدگاه توسعه‌گرایی (اقتصاد-محور) نام برد که هر یک از رویکردهای یادشده در یک طیف معینی، در بین این دو دیدگاه واقع شده‌اند. دیدگاه حفاظت‌گرایی با رویکرد محافظه‌کارانه، بیشتر به دنبال حفظ ارزش‌های اکولوژیکی با حداقل انجام تغییرات می‌باشد. همان‌گونه که در نمودار زیر نیز مشخص است، رویکردهای انبوه‌گرایی و صنعت-محور با توجه به اهداف و مبانی شان، به دیدگاه توسعه‌ای نزدیک‌تر هستند و رویکردهای فضائی-جغرافیایی و اجتماع-محور نیز بیشتر حفاظت‌گرا هستند تا سودگرا. رویکرد توسعه‌پایدار به لحاظ جامعیت اهداف و مبانی، تقریباً در میانه طیف واقع شده است و در واقع با توجه به شاخص‌هایی که این دیدگاه دارد، هم به دنبال حفظ ارزش‌های اکولوژیکی است و هم در جستجوی منافع اقتصادی می‌باشد (هر چند که اهداف اکولوژیکی مقدم بر اهداف اقتصادی است).

با توجه به آنچه که گفته شد، اگر بخواهیم رویکردهای گردشگری را مورد ارزیابی قرار دهیم باید از یک نگاه تاریخی بهره ببریم. در حقیقت، سنت‌های یاد شده، فرآیند تاریخی را طی کرده‌اند و به مرور زمان، مراحل تکاملی خود را سپری نموده‌اند. ابتدا توسعه‌انبوه‌گرایی و رویکرد صنعت-محور، رشد نموده است، سپس با مشاهده اثرات منفی اجتماعی، محیطی و فرهنگی ناشی از آن‌ها، رویکردهای فضائی/کالبدی و اجتماع-محور ظهور پیدا کردند و در نهایت تئوری توسعه‌پایدار شکل گرفت. البته این به معنای آن نیست که دیگر از رویکردهای قبل استفاده نمی‌گردد، امروزه در بسیاری از رویدادهای بزرگ ورزشی، سیاسی و فرهنگی (از قبیل بازی‌های المپیک، اجلاس سران کشورهای منطقه‌ای و جهانی، همایش‌های بزرگ علمی و فرهنگی و نظایر این‌ها)، شاهد استفاده از رویکردهای انبوه‌گرایی و اقتصادی بزرگ مقیاس در بسیاری از کشورها هستیم. در مجموع می‌توان از دو



شکل ۲- جهت‌گیری رویکردهای توسعه گردشگری

همان گونه که در جدول ۲ (بر اساس مدل SWOT) نیز مشاهده می‌شود، رویکرد انبوه‌گرایی بیشتر در جستجوی رشد بیشتر و دستیابی به سود بیشتر است. بالا بودن هزینه‌ها، اتلاف منابع، توجه بیش از حد بر حوزه‌های تجاری-اقتصادی و مسائل مدیریتی و برنامه‌ریزی از مهم‌ترین نقاط ضعف این رویکرد محسوب می‌شود که تهدیداتی چون کم‌توجهی به اثرات منفی ناشی از توسعه انبوه‌گرایی، بهره‌برداری بیش از حد از منابع بدون توجه به تأمین جایگزین‌هایی برای آن‌ها، تهدید فرهنگ محلی و بروز مسائل مختلفی چون گسترش آلودگی‌ها، مصرف‌گرایی، جرائم، امراض مختلف برای اجتماعات محلی به دنبال دارند. البته هر چند که این رویکرد با شکل‌گیری دیدگاه توسعه پایدار، کم‌رنگ شده است، با وجود این، مزایایی چون توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها، تقویت ابزارهای تبلیغ و بازاریابی، بهره‌گیری از نیروهای متخصص و ماهر، امکان بالای جذب سرمایه‌های خارجی و نظایر این‌ها را نیز به دنبال دارد.

علاوه بر این رویکرد، رویکرد اقتصادی (صنعت-محور) نیز دارای دیدگاهی توسعه‌ای است و به دنبال سود بیشتر می‌باشد. در این رویکرد، گردشگری به عنوان یک صنعت تلقی شده است. از نقاط ضعف این سنت، می‌توان به توجه صرف به بعد اقتصادی گردشگری، تأکید بر برنامه‌ریزی از بالا، کم‌توجهی به ابعاد اکولوژیکی و اجتماعی-فرهنگی، افزایش تورم و نقدینگی در بازار، و تخصص‌گرایی شدید اشاره نمود. بر این اساس، استفاده از رویکرد قطب‌رشد و تمرکزگرایی شدید، بی‌توجهی به بخش‌های دیگر برنامه‌ریزی و نقش

تعیین‌کننده بازار اولویت دارد که این روند، ناپایداری در توسعه گردشگری را موجب خواهد شد. هر چند که رویکردهای جدید، جایگزین این رویکرد شده است، با این وجود، رویکرد صنعت-محور، مزایایی چون بهره‌برداری از متخصصان و نیروهای انسانی ماهر در توسعه گردشگری، استفاده از ابزارهای کمی و کیفی مختلف، توسعه الگوهای نوین مدیریتی و تدوین طرح‌های متعدد توسعه گردشگری را به همراه دارد. این رویکرد، فرصت‌هایی چون توسعه منطقه‌ای، توسعه اشتغال و درآمد، افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و جذب صاحبان سرمایه و تکنولوژی را برای اجتماعات میزبان فراهم می‌آورد. در این سنت، برنامه‌ریز به عنوان یک متخصص، ایفای نقش می‌کند.

در سر دیگر طیف، دیدگاه حفاظت‌گرایانه را مشاهده می‌کنیم که رویکردهای فضایی-جغرافیایی و اجتماع-محور به این دیدگاه نزدیک هستند. رویکرد جغرافیایی-فضایی دیدگاهی حفاظت‌گرا دارد. ویژگی خاص این رویکرد، توجه به مقوله فضا و برنامه‌ریزی کاربری اراضی است. حفظ ارزش‌های محیطی؛ بهره‌گیری از فرایندهای فضایی و جغرافیایی؛ تدوین مقررات و کدهای اخلاقی؛ یکپارچه‌سازی علائق اجتماعی-فرهنگی و اکولوژیکی در توسعه گردشگری؛ حفاظت از تنوع زیستی و ژنتیکی؛ بهره‌گیری از رویکردهای ادراکی؛ و ارزیابی اثرات محیطی و اجتماعی از ویژگی‌های مثبت این سنت گردشگری محسوب می‌گردد و فرصت‌هایی چون توسعه آگاهی محیطی، توسعه گردشگری طبیعت-محور، امکان توسعه گردشگری کوچک-مقیاس و نظایر این‌ها را برای

ساکنین محلی فراهم می‌آورد. از جمله معایب این رویکرد نیز می‌توان به کم‌رنج بودن فاکتورهای اقتصادی در توسعه گردشگری، توسعه محدود زیرساخت‌ها، جذب محدود گردشگر و امکان از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و تأکید بیشتر بر کاهش ارتباط با بازار اشاره نمود.

رویکرد اجتماع-محور نیز با اندکی فاصله از دیدگاه فضایی-جغرافیایی، بیشتر به دنبال احترام به خواسته‌های ساکنین محلی است. این رویکرد، در حقیقت به دنبال آشفتگی‌های ناشی از توسعه‌های انبوه و توجه صرف بر جذب سرمایه‌های خارجی و توسعه زیرساخت‌ها مطرح شد. توجه به مشارکت فعال ساکنین و افزایش سرمایه اجتماعی در اجتماعات محلی؛ تأکید بر کنترل محلی و تقدم خواسته‌های میزبان بر گردشگران؛ احترام به سنت‌ها و ارزش‌های محلی؛ و توجه بیشتر به ابعاد اجتماعی-فرهنگی از ویژگی‌های خاص این رویکرد محسوب می‌گردد که فرصت‌هایی چون امکان ارتقاء آگاهی و آموزش؛ امکان ظرفیت‌سازی اجتماعی؛ کنترل اثرات منفی گردشگران و نظایر این‌ها را برای جامعه میزبان فراهم کرده است. البته این دیدگاه نیز پاره‌ای نقاط منفی دارد که از آن جمله می‌توان به تحدید آزادی عمل گردشگران؛ امکان مقاومت ساکنین محلی در تعامل فرهنگی با گردشگران؛ امکان از دست رفتن فرصت‌های بیشتر سرمایه‌گذاری و جذب گردشگر؛ امکان سودجویی نخبگان محلی در انحراف تصمیمات به سمت خودشان و غیره اشاره نمود. در این رویکرد، برنامه‌ریز در نقش تسهیل‌گر ظاهر می‌شود.

با مشاهده نمودار فوق، می‌توان دریافت که رویکرد توسعه پایدار، برخلاف رویکردهای دیگر توسعه گردشگری، تقریباً در میانه طیف با اندکی فاصله از دیدگاه توسعه‌گرا واقع شده است. این رویکرد، از اواخر دهه ۱۹۷۰ و به دنبال آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌های محیطی، اجتماعی و فرهنگی به تدریج شکل گرفت و با ارائه یک دید سیستمی و کل‌نگر، در جهت توسعه همه‌جانبه گردشگری تلاش کرد. توجه همزمان به ابعاد اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی؛ تأکید بر عدالت درون‌نسلی و برون‌نسلی، توجه همزمان به ابعاد برنامه‌ریزی و اجرا؛ بهره‌گیری از نظام‌های هماهنگ و یکپارچه کنترل؛ توجه بر رشد آگاهی تولیدکننده، مصرف‌کننده و ساکنین اجتماعات محلی؛ بهره‌گیری از مدل‌های تحلیلی و محاسبات محیطی؛ استفاده از رویکردهای ادراک محیطی و زیبایی‌شناسانه؛ توسعه سازمان‌های آموزش‌دهنده؛ حفظ میراث انسانی و تنوع زیستی؛ تأکید بر برنامه‌ریزی از پایین؛ کنترل آلودگی‌ها و دفع ضایعات؛ استفاده از فرایندهای مشورتی؛ و تأکید بر ارتقاء تجربه گردشگران، مهم‌ترین نقاط قوت این رویکرد می‌باشد. این سنت گردشگری با ویژگی‌های خود، فرصت‌هایی چون امکان حفظ و ارتقاء فرایندهای ضروری اکولوژیکی؛ امکان بهره‌گیری از روش‌های نوین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در فرایند توسعه؛ واگذاری برخی تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای مدیریتی و برنامه‌ریزی به بخش خصوصی؛ امکان توسعه تحقیقات و فناوری؛ افزایش تعامل فرهنگی بین ملت‌ها و دستیابی به هویت واحد شهروندی؛ توسعه کدهای اخلاقی-رفتاری و محیطی؛ و بازتولید و بازیافت منابع را فراهم نموده است.

جدول ۲- تحلیل رویکردهای گردشگری بر اساس مدل SWOT

فرصت ها	تهدیدها	نقاط قوت	نقاط ضعف	رویکردهای برنامه ریزی
<p>- بهره برداری از نیروهای مختلف تخصصی و علمی در توسعه گردشگری</p> <p>- امکان تعامل فرهنگی با گردشگران و یادگیری الگوهای نوین اخلاقی و فرهنگی</p> <p>- امکان جذب سرمایه گذاران بزرگ خارجی به سرمایه گذاری در اجتماعات گردشگری</p>	<p>- بی توجهی به اثرات منفی اکولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی گردشگری بر اجتماعات محلی</p> <p>- بهره برداری بیش از حد از منابع طبیعی و فرهنگی بدون توجه به تأمین جایگزین هایی برای آنها</p> <p>- امکان تهدید فرهنگ محلی در قبال فرهنگ مسلط گردشگران</p> <p>- گسترش مسائل شهری و محیطی (از قبیل آلودگیها، ترافیک، جرائم، امراض و نظایر اینها)</p>	<p>- توسعه زیرساخت ها (اسکان، حمل و نقل و ...)</p> <p>- استفاده از پتانسیل ها و قابلیت های محلی</p> <p>- تبلیغ و شناساندن توان ها و قابلیت های محلی و توسعه گردشگری</p> <p>- جذب عواید قابل توجه اقتصادی</p>	<p>- توسعه لجام گسیخته</p> <p>- بالا بودن هزینه ها</p> <p>- گسترش مسائل مدیریتی و برنامه ریزی در کنترل و توسعه گردشگری</p> <p>- توجه صرف بر حوزه تجاری و نادیده گرفتن حوزه های فرهنگی، محیطی و اجتماعی</p> <p>- اتلاف منابع</p> <p>- ناهمسوئی با اهداف توسعه پایدار</p>	<p>انبوه گرایی</p>
<p>- گردشگری عاملی برای توسعه منطقه ای و کاهش عدم تعادل های منطقه ای</p> <p>- امکان ایجاد و توسعه اشتغال و درآمد</p> <p>- افزایش فرصت های سرمایه گذاری خارجی</p> <p>- جذب صاحبان سرمایه در امر توسعه گردشگری</p>	<p>- استفاده از رویکردهای قطب رشد و تمرکزگرایی به جای رویکردهای توسعه متوازن و هماهنگ</p> <p>- بی توجهی به سایر بخش های برنامه ریزی و بروز مسائل مختلف اجتماعی، فرهنگی و محیطی</p> <p>- بازار، مهمترین عنصر تصمیم گیرنده در امر توسعه و نقش کم رنگ مردم و دولت</p> <p>- مشخص نبودن منتفعین و متضررین از توسعه گردشگری</p>	<p>- گردشگری به عنوان یک صنعت و تثبیت جایگاه آن در سطح ملی</p> <p>- استفاده از برنامه ریزان به عنوان متخصصان گردشگری</p> <p>- بهره برداری از مطالعات علمی - تخصصی در توسعه گردشگری</p> <p>- استفاده از ابزارهای مختلف کمی و کیفی</p> <p>- توسعه الگوهای مختلف مدیریتی</p> <p>- تدوین طرح های مختلف توسعه گردشگری</p>	<p>- توجه صرف به بعد اقتصادی توسعه گردشگری</p> <p>- تأکید بر برنامه ریزی به صورت "از بالا به پایین" و "فن سالارانه"</p> <p>- مصرف گرایی بیش از حد</p> <p>- اهداف اقتصادی مقدم بر اهداف اکولوژیکی و اجتماعی - فرهنگی</p> <p>- تخصص گرایی شدید</p> <p>- افزایش تورم و نقدینگی در بازار</p>	<p>اقتصادی</p>

ادامه جدول ۲-

فرصت ها	تهدیدها	نقاط قوت	نقاط ضعف	رویکردهای برنامه ریزی
<p>- امکان توسعه گردشگری کوچک-مقیاس</p> <p>- امکان شناسایی مناطق بکر مستعد برای توسعه گردشگری طبیعت- محور و ماجراجویانه</p> <p>- امکان توسعه آگاهی های محیطی</p> <p>- توسعه آگاهی در خصوص الگوهای سفر</p>	<p>- امکان از دست دادن فرصت های اقتصادی و سرمایه گذاری خارجی</p> <p>- ندیدن مزیت های رقابتی</p>	<p>- تأکید بر حفظ ارزش های محیطی</p> <p>- ارزیابی اثرات محیطی و اجتماعی</p> <p>- استفاده از رویکردهای توسعه منطقه ای</p> <p>- استفاده از مطالعات زیبایی شناختی و ادراکی و طراحی منظر</p> <p>- بهره برداری از الگوها و فرایندهای فضایی و جغرافیایی</p> <p>- استفاده از قوانین و مقررات و کدهای اخلاقی در توسعه گردشگری</p> <p>- بهره برداری از محدودیت های تغییرات قابل قبول در توسعه گردشگری</p> <p>- گستردگی تنوع فرصت های گردشگری</p> <p>- توجه به منطقه بندی و اصول کاربری زمین</p> <p>- یکپارچه سازی علائق اجتماعی- فرهنگی و اکولوژیکی</p> <p>- حفاظت از تنوع ژنتیکی</p>	<p>- کم رنگ بودن فاکتورهای اقتصادی در توسعه گردشگری</p> <p>- توسعه محدود زیرساخت ها و حمل و نقل</p> <p>- جذب محدود گردشگر</p> <p>- تأکید بیشتر بر کاهش ارتباط با بازار و منابع منطقه</p> <p>- حفاظت گزافی بیشتر به جای توسعه گرایی</p>	<p>فضایی / جغرافیایی</p>
<p>- امکان تقویت کنترل اجتماعی</p> <p>- امکان کنترل اثرات منفی گردشگران از طریق گردشگری اجتماع-محور</p> <p>- امکان ارتقاء آگاهی و آموزش</p> <p>- امکان گسترش ظرفیت های اجتماعی</p> <p>- امکان توسعه الگوهای نوین مشارکت اجتماعی در توسعه اجتماعات</p>	<p>- امکان از دست رفتن فرصت های سرمایه گذاری</p> <p>- وجود حس برتری در اجتماعات محلی نسبت به گردشگران و امکان بروز درگیری بین آنها</p> <p>- امکان سودجویی نخبگان محلی در انحراف تصمیمات به نفع خود</p> <p>- امکان مقاومت ساکنین اجتماع محلی در یادگیری و تعامل فرهنگی از فرهنگ برتر برخی گردشگران</p>	<p>- تأکید بر کنترل محلی و برنامه ریزی از پایین به بالا</p> <p>- استفاده از برنامه ریز در نقش تسهیل گر و توانمندساز</p> <p>- توجه به ابعاد اجتماعی- فرهنگی در توسعه گردشگری</p> <p>- احترام به سنت ها و ارزش های محلی و قومی</p> <p>- ارزیابی اثرات اجتماعی- فرهنگی</p> <p>- تقدم نیازهای محلی بر نیازهای گردشگران</p> <p>- تأکید بر مشارکت فعال در فرایند برنامه ریزی و توسعه</p> <p>- توجه به افزایش سرمایه اجتماعی در اجتماعات محلی</p>	<p>- تأکید بیش از حد بر ابعاد اجتماعی- فرهنگی</p> <p>- آزادی عمل پایین گردشگران</p> <p>- کم توجهی به استفاده از نیروهای متخصص و ماهر در توسعه گردشگری</p> <p>- بروز عوام زدگی</p>	<p>اجتماع محور</p>

ادامه جدول ۲-

فرصت ها	تهدیدها	نقاط قوت	نقاط ضعف	رویکردهای برنامه ریزی
<p>- امکان حفظ و ارتقاء فرایندهای ضروری اکولوژیکی</p> <p>- امکان بهره گیری از روش های نوین برنامه ریزی و سیاستگذاری در فرایند توسعه</p> <p>- واگذاری برخی تصمیم گیری ها و فرایندهای مدیریتی و برنامه ریزی به بخش خصوصی</p> <p>- تأکید بر رشد آگاهی تولید کننده و مصرف کننده</p> <p>- امکان توسعه تحقیقات و فناوری</p> <p>- امکان افزایش تعامل فرهنگی بین ملت ها و دستیابی به هویت واحد شهروندی در جهان</p> <p>- امکان توسعه کدهای اخلاقی- رفتاری و محیطی</p> <p>- امکان بازیافت منابع</p>	<p>- امکان بهره برداری سیاستمداران و اقتصادپون از مبانی این تئوری در جهت منافع شخصی</p> <p>- ضعف برخورداری از مزیت های رقابتی</p>	<p>- توجه همزمان به ابعاد اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی</p> <p>- بهره گیری از رویکرد سیستمی و کل نگر در توسعه گردشگری</p> <p>- توجه به عدالت درون نسلی و بین نسلی در توسعه گردشگری</p> <p>- برنامه ریزی به عنوان یک فرایند</p> <p>- توجه همزمان به ابعاد برنامه ریزی و اجرا</p> <p>- توجه بر بعد سیاسی برنامه ریزی</p> <p>- استفاده از سیستم های کنترل هماهنگ و یکپارچه</p> <p>- توجه همزمان به تأمین نیازهای محلی و تجارت موفق در بازارهای رقابتی</p> <p>- توجه بر رشد آگاهی ساکنین اجتماعات محلی</p> <p>- توجه بر منافع ذینفعان</p> <p>- توجه بر رویکرد اقتصاد سیاسی در توسعه گردشگری</p> <p>- استفاده از مدل های تحلیلی و محاسبات محیطی</p> <p>- بهره گیری از رویکردهای ادراک محیطی، زیبایی شناسانه و طراحی منظر</p> <p>- توسعه سازمان های آموزشی</p> <p>- حفظ میراث انسانی و تنوع زیستی</p> <p>- برنامه ریزی به صورت از پایین به بالا</p> <p>- استفاده از برنامه ریزی استراتژیک در توسعه گردشگری</p> <p>- توجه به کنترل آلودگیها و دفع ضایعات</p> <p>- تأکید بر ارتقاء تجربه گردشگران</p> <p>- استفاده از کارگاه ها و فرایندهای مشورتی</p>	<p>- شیفستگی بیش از حد این رویکرد و کم توجهی به توسعه رویکردهای جدید</p> <p>- وجود تناقض های مختلف در تعریف و تدقیق مرزهای توسعه پایدار</p> <p>- کم توجهی به ابعاد مدیریتی در توسعه گردشگری</p> <p>- تقابل با ساختارهای موجود</p> <p>- دیربازده بودن و عدم حصول نتیجه در کوتاه مدت</p>	<p>توسعه پایدار</p>

مزایا و نقاط قوت این رویکرد باعث شیفستگی بیش از حد به خود و کم توجهی به توسعه رویکردهای جدید شده است. از دیگر نقاط ضعف این دیدگاه، می توان به مواردی از قبیل کم توجهی به ابعاد مدیریتی توسعه؛ ضعف استفاده از مزیت های رقابتی؛ و وجود تناقض های مختلف در تعریف و تدقیق مرزهای توسعه پایدار اشاره کرد. در این دیدگاه، امکان بهره برداری سیاست مداران و اقتصاددیان از مبانی این تئوری در جهت منافع شخصی، تهدیدی جدی محسوب می گردد.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه که گفته شد، می توان به روند و کاربرد هر یک از رویکردهای توسعه گردشگری پی برد. هر چند که منطقی است رویکرد غالب در توسعه گردشگری اجتماعات، رویکرد توسعه پایدار باشد، با این حال، در برخی از کشورهای کمتر توسعه یافته (که از منابع اقتصادی کافی نیز برخوردار نیستند)، مشاهده می شود که بیشتر از رویکرد انبوه گرایی استفاده می گردد. این امر هر چند که ممکن است منافع کوتاه مدت را به دنبال داشته باشد، اما می تواند به اتلاف منابع محیطی و فرهنگی این کشورها منجر شود. مهم این است که همگان به این باور برسند که منابع محیطی و اکولوژیکی، متعلق به جامعه جهانی است و لازم است در حفظ و باز تولید آن ها تلاش کرد. البته این بدان معنی نیست که منافع اقتصادی و توجه به بهبود معیشت ساکنین اجتماعات محلی، نادیده گرفته شود. در حقیقت، رویکرد توسعه پایدار تلاش دارد ضمن حفظ ارزش های زیست محیطی، رشد اقتصادی - اجتماعی اجتماعات

محلی را نیز به دنبال داشته باشد.

با پذیرفتن رویکرد توسعه پایدار به عنوان مناسب ترین رویکرد برای توسعه گردشگری، می توان اقدامات مختلفی در بخش های متعدد انجام داد که با توجه به مطالب قبل شامل بخش های اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی می باشد. همان گونه که در شکل زیر نیز مشاهده می گردد، از جمله فعالیت هایی که در بخش اکولوژیکی باید انجام داد می توان به مواردی چون شناسایی سایت های طبیعی؛ پذیرش ارزش منابع؛ حفظ و توسعه منابع طبیعی و اکوسیستم ها؛ دفع بهداشتی زباله ها، فاضلاب ها و آب های سطحی؛ و جلوگیری از تخریب تنوع زیستی و اکوسیستم ها اشاره کرد.

بر اساس رویکرد توسعه پایدار، می توان همزمان عوامل اکولوژیکی و اقتصادی - اجتماعی را با هم در یک اجتماع محلی توسعه داد. جذب سرمایه گذاران خارجی؛ ایجاد و توسعه فرصت های شغلی از سوی دولت؛ حمایت از اقتصاد محلی؛ افزایش سطح درآمدها؛ و افزایش مشارکت اقتصادی مردم محلی نیز از جمله اقداماتی است که می توان در بخش اقتصادی انجام داد. در کنار این بخش ها، مهم ترین اقداماتی که در بخش اجتماعی می توان انجام داد عبارتند از: توانمندسازی مردم محلی، شکل گیری هیات امنای محلی؛ تدوین طرح های توسعه منطقه ای مشارکتی؛ فرهنگ سازی و نهادسازی انجام مذاکره میان مردم، مسوولین و سرمایه گذاران بخش گردشگری؛ تقویت سرمایه اجتماعی و بهبود استانداردهای زندگی اجتماعات محلی.

از جمله محورهای دیگری که در ادامه سیر

تکوینی تئوری توسعه پایدار بدان افزوده شده است، فاکتورهای نهادی است که در این تحقیق، محور فرهنگی نیز بدان اضافه می گردد. از جمله اقدامات موثر در بخش نهادی می توان از مواردی چون توسعه نهادهای محلی رسمی و غیررسمی؛ تدوین قوانین و مقررات و منشور اخلاقی در جهت حفظ منابع طبیعی و توسعه گردشگری؛ توسعه مراکز پژوهشی و تحقیقات مرتبط با گردشگری؛ تبلیغ و بازاریابی؛ توسعه زیرساخت ها و تسهیلات گردشگری؛ توسعه مهارت ها میان برنامه ریزان و تصمیم سازان؛ توسعه منابع انسانی؛ آموزش افراد شاغل در بخش گردشگری؛ تسهیل دسترسی به فن آوری های

ارتباطی و اطلاعاتی؛ و نظایر این ها اشاره کرد. در بخش فرهنگی نیز می توان به انجام اقداماتی چون تقویت ارزشها و سنت های راستین محلی همراه با رفع تعصبات غریبه ترسی؛ ارتقاء سطح فرهنگی مردم محلی؛ احترام به خواسته های محلی؛ تقویت حس تعلق مکانی و مبانی هویتی در میان ساکنین؛ شناسایی الگوهای توسعه گردشگری همساز با فرهنگ محلی؛ و نظایر این ها پرداخت.

در بسیاری از جوامع پیشرفته، گردشگری از جایگاه ویژه ای برخوردار است و حتی در برخی کشورها نیز مانند ترکیه، اسپانیا، ایتالیا و چین، گردشگری به عنوان منبع بسیار مهمی در اقتصاد آن



شکل ۳- اقدامات موثر در نیل به توسعه پایدار گردشگری

کشورها محسوب می‌شود. در حالی که کشور ما به رغم قابلیت‌ها و توان‌های طبیعی و فرهنگی زیادی که برای توسعه گردشگری در سطح جهانی دارد، درآمد قابل توجهی در این زمینه کسب نمی‌کند، به ویژه آن که در بسیاری از اجتماعات محلی عقب مانده کشور می‌توان با توسعه گردشگری به مجموعه‌ای از گسترش فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد، ایجاد و توسعه زیر ساخت‌های اقتصادی- اجتماعی و تحرک فرهنگی دست یافت. لیکن باید توجه داشت که در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، اجرا و مدیریت توسعه گردشگری از رویکردهای یک سویه نگر و رشد-محوری که توسعه پایدار و فراگیر اجتماعات را به بار نمی‌آورد، باید پرهیز نمود. در این رویکرد، توسعه گردشگری همچون ابزاری جهت ارتقاء ظرفیت‌های اجتماعات محلی در پاسخگویی به نیازهایشان به کار گرفته می‌شود، نه در جهت گشودن بازاری برای "منافع پروازی" شرکت‌های بدون پاسخگو. با پاسخگویی شرکت‌ها در مقابل تعلق محلی می‌توان به بهره‌برداری پایدار از منابع و محیط امیدوار بود، و گرنه در بهره‌کشی افراطی، پس از چندی ویرانه‌ای برای اجتماعات محلی باقی مانده، و سرمایه‌ها به سرزمین بکر دیگری منتقل خواهند شد. نباید با دفاع از توسعه گردشگری در اجتماعات محلی، تدارک‌کچی حضور این گونه (بازار گشای منافع پروازی) شد. برنامه‌ریزی‌ها باید به گونه‌ای باشد که حضور شرکت‌های بزرگ در پی ضابطه‌مند کردن آن‌ها توسط دولت‌های ملی و محلی باشد و به موازات آن، فرهنگ/ ظرفیت‌سازی‌های لازم در محل برای تعامل و حکمروایی خوب (مدیریت مشارکتی) به وجود آید. در نمونه‌های

بسیاری در جهان (مانند کنیا، هند و پرو)، اگر چه توسعه گردشگری (به ویژه گردشگری طبیعت-محور) آغاز شده است، لیکن منافع آن کاملاً از محل پرواز کرده و میوه‌های توسعه توریسم از پشت دیوار و حفاظ مشاهده شده است و تنها گروه کوچکی از اجتماع محلی را، آن هم در مشاغل پست نوکرمانه مشارکت داده است و اکثر ساکنین اجتماع محلی را به حاشیه کشانده، آن‌ها را تبدیل به دشمنان محلی نموده است؛ در حالی که ما حتی خواهان ایجاد تحرک و انعطاف فرهنگی در فقر و عقب ماندگی آن‌ها هستیم، نتیجه عکس می‌گیریم! در سال‌های اخیر، شناخت فزاینده‌ای از سوی دولت‌ها و نیز صنعت گردشگری در جهت تعامل بیشتر برای افزایش حساسیت‌های اجتماعی و محیطی گردشگری و تصحیح رویکردها با اصول توسعه پایدار در جریان است. کشور ما نیز با وجود عقب‌ماندگی از موج جهانی گسترش گردشگری در دهه‌های اخیر، می‌تواند از پیامدهای منفی رویکردهای گذشته درس آموخته و با اتخاذ رویکرد توسعه پایدار گردشگری با تاکید بر اجتماعات محلی، این فاصله را با مسیری صحیح کوتاه نماید.

منابع

- Arnstein, S. (1969). A Ladder Of Citizen Participation. Journal Of American Institute Of Planners, 6: 35- 89.
- Chak, V.G. (2000). Tourism in comprehensive perspective. Translated by ali parsaeayan and seyed mohammad e'rabi. Cultural research center press. Tehran.

- Gunn, A. (1994). *Tourism Planning*. Washington: Taylor & Francis Press.
- Hall, M. and S. McArthur (1998). *Integrated Heritage Management*. Stationery Office. London.
- Hall, M. (2000). *Tourism planning; Policies, Processes and Relationships*. England: Pearson Education Limited.
- Hall, M. (1992). *Wasteland to World Heritage: Conserving Australia's Wilderness*. Carlton: Melbourne University Press.
- Haughton, J. and C. Hunter (1994). *Sustainable Cities. Regional Policy and Development Series 7*. London: Jessica Kingsley Publishers.
- Jabbary, H. (1998). *Sociological approach for people in renewal urban textures*. Professional congress of urban textures. Ministry of Urban development, Tehran: National organization of land and house.
- Kazemi, M. (2008). *Tourism management*. Tehran: Samt press.
- Lee, J. (2000). *Tourism and development in third world*. Translated by Abdorreza Roknoddin Eftekhary and Ma'soomeh Sadat Salehi Amin. Tehran: Commercial company press.
- McIntosh, W. and R. Goeldner (1986). *Tourism: Principles, Practices, Philosophies*. 5th ed. New York: John Wiley & Sons.
- Mowforth, M. and I. Munt (1998). *Tourism and Sustainability; Development and new tourism in the Third World*. London
- Conyers, D. (1984). *Social Planning : Institute of development studies*. University Of Sussex. Brighton.
- Cooke, K. (1982). *Guidelines for Socially Appropriate Tourism Development in British Columbia*. *Journal of Travel Research*, 9: 21- 26.
- Craik, J. (1988). *The Social Impacts of Tourism*. In Canberra, B. Faulkner and M. Fagence (eds). *Frontiers in Australian Tourism: The Search for New Perspectives in Policy Development and Research*. Bureau of Tourism Research. 26.
- Dass V, R (2001). *Tourism management; principles, strategies and effects*. Translated by Seyyed Mohammad E'rabi and Davood Eezadi. Tehran: Cultural research center press.
- Dowling, K. (1993). *Tourism Planning, People and The Environment in Western Australia*. *Journal of Travel Research*, 12: 31- 52.
- Dutton, I. and M. Hall (1989). *Making Tourism Sustainable: The Policy/ Practice Conundrum*. Proceedings of the Environment Institute of Australia Second National Conference. Melbourne. 9-11 October. 19.
- Getz, D. (1987). *Tourism Planning and Research: Traditions, Models and Futures*. Paper Presented at The Australian Travel Research Workshop. Bunbury. Western Australia.

- International press.
- Mowforth, M. (1998). *Tourism and Sustainability; Development and new tourism in the Third World*. London and New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- World Tourism Organization (2001). *Revolutionizing the View of the Tourism Industry*. Canada: world tourism organization.
- Zahedi, S.h. (2007). *Principles of tourism and ecotourism (by emphasis to ecology)*. Tehran: Allame taba tabaey university press.
- and New York: Routledge, Taylor & Francis Group.
- Murphy, E. (1985). *Tourism: A Community Approach*. New York: Methuen.
- Olds, K. (1998). *The housing impacts of mega-events*. *Current Issues in Tourism*.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the Commons: the Evaluation of Institutions for Collective Action*. *The Political Economy of Institutions and Decisions*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Pacione, M. (2004). *Urban Geography: A Global Perspective*. New York: Routledge Press.
- Smith, S. (1995). *Tourism Analysis; A Handbook*. Longman Group Limited. 2nd Edition. 21.
- Tomeljenovic, R. and B. Faulkner (2000). *Tourism and Older Resident in a Sunbelt*. *Annals of Tourism Research*. 27 (1): 93- 106.
- Thorsell, W. (1984). *Protected Areas in East Africa: A Training Manual*. College of African Wildlife Management.
- Wheeler, S. (2004). *Planning for sustainability. Creating livable, Equitable, and Ecological Communities*. London and New York: Routledge; Taylor and Francis Group.
- Weaver, D. (1998). *Ecotourism in the less developed world*. UK; Wallingford, Oxon: CAB International.
- Weaver, D. (2001). *Encyclopedia of Ecotourism*. UK: Wallingford; CAB

